

## Jurisprudential Explanation of the Theme in the Third Verse of Surah al-Nesā' and Analysis of the Disagreement over its Exact Date<sup>1</sup>

### Reyhaneh Imam Jomeh

PhD. Student, Faculty of Law, Theology and Political Sciences, Science and Research Unit, Islamic Azad University, Tehran, Iran. [zaeri19@yahoo.com](mailto:zaeri19@yahoo.com)

### Jafar Nekounam

Professor, Department of Quranic and Hadith Sciences, Faculty of Theology and Islamic Studies, University of Qom, Qom, Iran (**Corresponding author**). [jnekoonam@gmail.com](mailto:jnekoonam@gmail.com)

### Mehrdad Abbasi

Assistant Professor, Department of Quran and Hadith Sciences, Faculty of Law, Theology and Political Sciences, Science and Research Unit, Islamic Azad University, Tehran, Iran [abbasimehrdad@yahoo.com](mailto:abbasimehrdad@yahoo.com).

### Abstract

The purpose of the present study is to explain the jurisprudential theme in the third verse of Surah an-Nesā' and to review disagreements over its exact date. The method of study is descriptive-analytic and the results show that the approximate revelation date of the verses under study is related to after the battle of Uhod, the late third and the early fourth year of Hijrah. The subjects raised in these verses are mostly about social relations among Muslims. This type of relationship is related to the era after Hijrah and the 10-year time period during the Prophet Muhammad's (PBUH) prophethood. Another subject mentioned in these verses is related to the custody of widowed women and orphan children and taking care of them and that upon the marriage of those widowed women, a supporter and instructor would be provided for their children.

**Keywords:** Surah an-Nesā', Battle of Uhod, Women, Orphans, Marriage.

---

<sup>1</sup> Received: ۲۰۲۱/۰۱/۱۵ ; Revised: ۲۰۲۱/۰۲/۱۳ ; Accepted: ۲۰۲۱/۰۴/۱۸

Publisher: Qom Islamic Azad University

\*\*© the authors

## تبیین فقهی مضمون آیه سوم سوره نساء و بررسی اختلاف نظر در تاریخ گذاری دقیق آن<sup>۲</sup>

ریحانه امام جمعه

دانشجوی دکتری، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. zaeri419@yahoo.com

جعفر نکونام

استاد، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه قم، قم، ایران (نویسنده مسئول). jnekoanam@gmail.com

مهرداد عباسی

استادیار، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. abbasimehrdad@yahoo.com

### چکیده

هدف پژوهش حاضر تبیین فقهی مضمون آیه سوم سوره نساء و بررسی اختلاف نظر در تاریخ گذاری دقیق آن است. روش تحقیق توصیفی-تحلیلی بوده و نتایج نشان داد که زمان تقریبی نزول آیات مورد بررسی، مربوط به زمان بعد از جنگ اُحد و اواخر سال سوم و اوایل سال چهارم هجرت می باشد. موضوعات مطرح شده در این آیات، بیشتر روابط اجتماعی بین مسلمانان است. این نوع ارتباط مربوط به دوره بعد از هجرت و دوره ده ساله نبوت پیامبر اسلام (ص) است. موضوع دیگر مطرح در این آیات، مربوط به سرپرستی و رسیدگی به امور زنان و کودکان بی سرپرست است که با ازدواج مجدد زنان بی سرپرست، یک حامی و مربی برای فرزندانشان فراهم می شد.

**کلیدواژه‌ها:** سوره نساء، جنگ اُحد، زنان، یتیمان، ازدواج.

<sup>۲</sup> پژوهش حاضر مستخرج از رساله دکتری ریحانه امام جمعه است.

**تاریخ دریافت:** ۱۳۹۹/۱۰/۲۶ ؛ **تاریخ اصلاح:** ۱۳۹۹/۱۲/۲۵ ؛ **تاریخ پذیرش:** ۱۴۰۰/۰۱/۲۹

**ناشر:** دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم.

## ۱- مقدمه

مسئله تعدد زوجات تا عصر جدید با مشکلی از نظر فکری و فقهی مواجه نبود، اما طرح شبهات در سده‌های اخیر، سبب شده که اندیشمندان اسلامی به تبیین همان باورها بپردازند؛ یا در مسئله، تجدیدنظر نموده و آرای تازه‌ای را عرضه کنند. قرآن کریم از زوایای گوناگونی مورد مطالعه قرار گرفته است. یکی از این زاویه‌ها، نگاه فرهنگی، تاریخی به قرآن و به تبع آن، به بعضی از آیات آن است. این نوع مطالعه، اولاً، اختلاف نظر در مورد تاریخ دقیق نزول آیه را مطرح می‌کند و سپس برای تعیین دقیق یا تقریبی زمان نزول آیه یا آیات هم مضمون و موقعیت تاریخی - فرهنگی آن، تلاش می‌کند. تعدادی از اندیشمندان و مفسران معاصر در این نوع مطالعه، معمولاً به دنبال تعیین زمان نزول آیه یا آیات مرتبط با هم و موقعیت تاریخی - فرهنگی هستند؛ تا در پرتو این موضوع، تفسیر صحیحی از آیه ارائه نمایند. در این نوع نگاه، پژوهشگر، به دنبال تعیین تاریخ نزول، شرایط و موقعیت فرهنگی سوره، یا بخشی از آیات سوره‌ها است. این نوع نگاه به آیات و سوره قرآن، اصطلاحی را در مباحث مرتبط با قرآن تولید می‌کند که به نام «تاریخ‌گذاری قرآن» شناخته می‌شود. تاریخ‌گذاری قرآن «دانشی است که در آن از شکل‌گیری قرآن، از آغاز نزول تا تثبیت قرائت، به صورت نهایی آن، بحث می‌شود و موضوعات متعددی را فرامی‌گیرد؛ نظیر مفهوم زمان و تاریخ در قرآن، موقعیت و شرایط گزارش‌های تاریخی قرآن درباره گذشتگان و... است» (نکونام، ۱۳۸۰، ص ۵۲).

تعاریف دیگری از تاریخ‌گذاری ارائه شده که به جامع‌ترین آن اشاره می‌شود: «تاریخ‌گذاری قرآن، عبارت از این است که به کمک روایات مختلف مکی و مدنی، اسباب نزول، ترتیب نزول، ناسخ و منسوخ، تاریخ پیامبر اسلام (ص) و بهره‌گیری از تلویحات یا تصریحاتی که در قرآن، راجع به رویدادها و زمان‌مندی تاریخ رسالت آن حضرت، نظیر شروع دعوت علنی، شکست روم، جنگ بدر، تبوک و... وجود دارد؛ زمان و ترتیب تاریخی هریک از واحدهای نزول قرآن - اعم از یک سوره تمام یا بخشی از یک سوره - شناسایی و معین گردد» (کلباسی اشتری، ۱۳۹۶، ص ۶۱). از منظر فقه و حقوق، ازدواج مجدد مشروع و مجاز است، البته این تجویز با شروطی مقید شده، و تأمل در این شروط از منظر فقه، هدف اصلی این پژوهش است. در این میان، شرط رعایت عدالت از طرف زوج در میان زوجات از اهمیت و برجستگی بالائی برخوردار است؛ یعنی مرد باید در پرداخت نفقه و چگونگی رفتار با آنان چنان رفتار کند که هر کدام خود را برابر با دیگران بیابند (کاتوزیان، ۱۳۸۴، ص ۱۴۵).

بنابراین، پژوهش حاضر درصدد است تا در وهله اول، به مباحثی بپردازد که اولاً نقدی را بر اختلاف تاریخی‌گذاری و سایر مفاد این آیه بیان کند و در وهله بعد، مطالعه ناظر بر تاریخ‌گذاری آیه سوم سوره نساء داشته باشد که در بین آیات اول تا ششم سوره نساء قرار دارد. همچنین در حل این شبهات و تعارضات، در خصوص تعدد زوجین از دیدگاه فقها و اندیشمندان اسلامی، گامی بر حل این مشکلات و آسیب‌های اجتماعی و رفتاری ناشی از مسئله تعدد زوجات بردارد.

**۲- بیان مسئله**

چهل و دو آیه اول سوره نساء به هم پیوسته هستند و عامل پیوستگی این آیات، حرف عطف «و» است. آیات قرآن در هنگام نزول به صورت یک سوره کامل یا به شکل یک یا چند آیه در یک زمان و مکان خاص، نازل شده است. این دسته آیات را، «واحد نزول» می‌نامیم. سوره نساء از سوره‌های مدنی و چهارمین سوره از قرآن کریم بوده که در جزء چهارم تا ششم قرار دارد. از آنجا که بسیاری از احکام فقهی مربوط به زنان در این سوره آمده است؛ این سوره را نساء نامیده‌اند. سوره نساء بیشتر درباره احکام زناشویی و ارث صحبت می‌کند و در میان آن‌ها به احکام نماز، جهاد و شهادت پرداخته شده است. همچنین در این سوره، مطالبی به صورت خلاصه، درباره اهل کتاب و سرگذشت پیشینیان سخن به میان آمده و خداوند درباره منافقان، هشدار داده است. آیه اول تا ششم سوره نساء، نیز در یک مجموعه از آیات نازل شده است که یک واحد نزول را تشکیل می‌دهد. این واحد نزول چهل و دو آیه اول این سوره است. در شش آیه اول، یک مقدمه کلی با عنوان «تقوا» معرفی شده و در آیات دوم تا ششم، حفظ اموال یتیمان و سرپرستی آن‌ها و ازدواج با زنان بی‌سرپرست دارای یتیم آمده است. منظور از واحد نزول آیه یا آیاتی از یک سوره یا تمام یک سوره است که در یک زمان بر قلب پیامبر (ص) نازل شده است. آیه مباهله که در آیات اولیه سوره آل عمران «از آیه اول تا شصت و دوم» آمده، یک واحد نزول را تشکیل می‌دهد که معمولاً با حروف عطف به هم عطف شده‌اند.

در دین اسلام چه در فقه امامیه و چه در فقه اهل سنت با عمل نکاح حقوق متقابلی برای زوجین شکل می‌گیرد که رایج‌ترین نوع آن در دین اسلام، ازدواج دائم است. و از نوع تک همسری که طبیعی‌ترین فرم زناشویی است و نقطه مقابل با چند همسری است. چند همسری یا تعدد زوجین، وضعیت حقوقی-فقهی خاصی را فراهم می‌آورد که دارای آثار و احکامی است که تکالیف زوج و زوجات را تحت تأثیر قرار می‌دهد که در مقایسه با حقوق زوج‌های که زوجش تک همسر است متفاوت است. لذا، یکی از مسائلی که امروزه از منظر ازدواج مورد بررسی قرار می‌گیرد؛ تعدد زوجین است. در مورد تعدد زوجات در فقه باید گفت، بسیاری از فقیهان عامه و تمام فقه‌های امامیه، اصل مسئله ازدواج را مستحب دانسته‌اند (طوسی، ۱۴۱۳ق، ص ۱۰۱) به جز ابن حزم، پیشوای مذهب ظاهریه که فتوا به وجوب ازدواج بر مرد و زن داده است (ابن حزم، بی‌تا، ج ۹، ص ۴۴۰). البته تردیدی نیست که سایر فقها نیز اگر ضرورت اقتضا کند، ازدواج را واجب خواهند کرد (به نقل از: امامی، ۱۳۹۲، ص ۴۴).

بحث چندهمسری جزئی از فرهنگ مردمان ساکن در اقصا نقاط دنیا بوده و عرب ساکن در جزیره‌العرب هم چنین فرهنگی داشته است. چندهمسری در میان اعراب (مردها) قبل از اسلام نیز رایج بوده است. حسن بصری و ضحاک، از نخستین مفسران مسلمان بیان داشته‌اند که اسلام، شیوه عرب جاهلی را در چندهمسری نسخ کرده است؛ زیرا اعراب در این کار مرزی نمی‌شناختند و با هر تعداد از زنان که می‌خواستند ازدواج می‌کردند. ولی اسلام، شمار زنان هر مرد را به چهار نفر محدود کرده است (قرطبی، ۱۴۰۵ق، ج ۶، ص ۵۱۲). تعدد زوجات در منابع اولیه فقهی و کلام فقیهان تا قبل از قرن پنجم قمری فقط به صورت فتوا بوده و هیچ بحث استدلالی برای جواز تعدد و حرمت مازاد بر چهار زن، ذکر نشده بود (قمی مشهدی، ۱۳۶۸، ج ۱، ص ۴۰). برای اولین بار شیخ طوسی (قرن پنجم) در کتاب «الخلاف» در بحث عقد نکاح، برای استدلال به اجماع و روایات استناد کرده و دلالت آیه سوم سوره نساء را بر این حکم ناتمام

دانسته و بعد از او نیز تا علامه حلی، در هیچ کدام از کتب فقهی، دلیلی غیر از این استدلال، برای این حکم ذکر نشده است (قمی مشهدی، ۱۳۳۸، ج ۱، ص ۴۱). علامه حلی علاوه بر سنت و اجماع، به آیه سوم سوره نساء استناد کرده که بر اساس آن، خداوند، مردان مسلمان را مورد خطاب قرار می‌دهد و آن‌ها را در انتخاب چند زن مجاز دانسته، مشروط به این که بتوانند در میان همسران خود به عدالت رفتار کنند (علامه حلی، ۱۴۱۸، ص ۲۳). بعد از علامه حلی نیز، شهید ثانی و محقق کرکی و دیگر فقها به این دلایل استناد کرده‌اند (کرکی، ۱۴۱۱، ص ۵۲). فقیهان با تمسک به تصریح آیه سوم سوره نساء، مبنی بر جواز تعدد زوجات و نیز روایاتی که ازدواج بیش از چهار همسر را جایز نمی‌دانند، جواز تعدد را به اثبات رسانده‌اند (علامه حلی، ۱۴۱۹، ص ۳۷؛ طباطبایی، ۱۴۱۷، ص ۲۲۰).

در هیچ یک از منابع فقهی تعدد زوجات، به رضایت همسر اول مشروط نشده است. فقها نیز با استناد به اطلاق دلیل جواز چندهمسری، جواز حکم را به رضایت همسر اول، مگر در مواردی خاص، مشروط نکرده‌اند. در متون روایتی نیز شرایطی مانند قدرت مالی زوج در تأمین نفقه و قدرت جنسی او برای ارضای جنسی همسران نیامده است. بنابراین، دلایل جواز تعدد زوجات از این حیث اطلاق دارند؛ مگر اینکه ناتوانی مرد در این موارد، باعث عسر و حرج برای همسران دیگر شود که در این صورت، برخی از فقها در مواردی، به حرمت تعدد زوجات قائل شده‌اند (شکرانی و حبیب‌اللهی، ۱۳۹۴، ص ۱۰۰). نوع تعامل با همسر دوم و سوم در فرهنگ عرب جاهلی ناپسند بود. محدودیتی در انتخاب همسر دوم وجود نداشت. بعضی از عرب‌ها برای تصاحب مال یتیمان سعی می‌کردند با ازدواج با دختر یتیم، مال آن‌ها را تصاحب کنند. خداوند با فروفرستادن این آیات، محدودیت‌هایی ایجاد کرد و جلوی انگیزه‌های مالی را در ازدواج بست. تفکر حاکم بر عرب جاهلی، اثر خود را بر فهم از آیات اولیه سوره نساء نشان داد. بسیاری از مفسران متأثر از جو حاکم مردانه در موضوع ازدواج مجدد، در تفسیر آیه به تعیین مصداق آیه پرداختند و دختران یتیم را به‌عنوان مصداق معرفی کردند. این نقد بر مفسران مطرح می‌شود که اگر این مفسران دقت می‌کردند؛ متوجه می‌شدند؛ که امر به ازدواج در این آیات، مربوط به زنان بی‌سرپرست دارای فرزند یتیم بازمانده از حوادث است؛ نه ازدواج با دختران یتیم. در این مقاله تلاش شده است نقدی بر این اختلاف نظر وارد شود تا این آیه به درستی تفسیر گردیده و سوءفهم مربوط به آن، برطرف گردد.

با تعیین تاریخ دقیق یا تقریبی زمان نزول این آیات، می‌توان تفسیر مناسب‌تری ارائه داد. بر این اساس، تاریخ‌گذاری این آیات، یک ابزار مهم برای فهم صحیح از این آیات به حساب می‌آید. از طرفی، تاریخ‌گذاری قرآن، به دست آوردن تاریخ دقیق یا تقریبی وحی‌های قرآن و تبیین شرایط فرهنگی است، اما به منظور نیل به این غرض، باید همه آیات و روایاتی را که بستر تاریخی وحی‌های قرآن را گزارش می‌کنند، بررسی کرد. به همین رو، اهتمام به تاریخ‌گذاری قرآن، فواید ارزشمندی به همراه دارد. مهم‌ترین فایده آن، تفسیر صحیح و روشن آیات قرآن است؛ چون شرایط و مقتضیات عصر رسالت پیامبر اسلام (ص)، قرائن حالی و مقالی آیات قرآن به‌شمار می‌رود و هرکلام، بدون لحاظ قرائن آن، به درستی و روشنی فهمیده نمی‌شود. در بحث تاریخ‌گذاری قرآن که امر بسیار دشواری است؛ براساس روایات معتبر و محتویات و مطالب خود قرآن می‌توان به تعیین تاریخ نسبتاً دقیق نزول آیات و سور آن پرداخت. بر این اساس، در این پژوهش به دنبال تعیین زمان دقیق آیات اولیه سوره نساء و خصوصاً آیه سوم این سوره نیز هستیم. به دلیل اینکه، چند زمان مختلف برای نزول آیه مطرح شده است؛ تا بتوانیم تفسیر صحیحی از این آیه و آیات ماقبل و مابعد آن که در یک واحد نزول قرار دارند، ارائه دهیم. دانشمندان و مستشرقان تلاش‌های فراوانی برای رسیدن به نظم قابل اعتمادی از

ترتیب طبیعی نزول سوره‌ها و آیات، انجام داده‌اند. «ترتیب نزول سوره‌ها، امری تاریخی و مرتبط با ۲۳ سال رسالت پیامبر اکرم است. در این گونه موارد، مطمئن‌ترین راه کشف ترتیب نزول، گزارش‌های تاریخی است» (بازرگان، ۱۳۵۶، ص ۲۴).

اولین اختلاف در اینجا است که برخی از نویسندگان مسلمان و غالب شرق‌شناسان، علاقه‌مند به کشف و استخراج جدول مزبور، از طریق تحلیل‌ها و استحسان‌های مورد پسندشان بوده‌اند؛ در صورتی که به نظر برخی، تلاش مزبور از تخمین و گمانه‌زنی‌های تحمیلی بر قرآن تجاوز نمی‌کند. مخصوصاً در فهم نظام هدایتی خالصی که در پی ترتیب نزول سوره، باید به دنبال شناسایی آن بود. «استفاده از این روش، غیرقابل قبول است؛ و این نقد مطرح می‌شود که چرا به اعتقاد مستشرقان، چینش و ترتیبی که با این گمانه‌ها به وجود آید، به سوره‌ها تناسبی ویژه و مرتبط با برداشت مفسر می‌دهد که تضمینی بر درستی آن وجود ندارد؛ در نتیجه، نظامی که استخراج می‌شود، غیرقابل اطمینان و اتکاء می‌گردد» (بهجت‌پور، ۱۳۹۲، ج ۱، ص ۱۰۰). علامه طباطبایی در این‌باره گفته است: «آنچه درباره این روایات (ترتیب نزول) می‌توان گفت این است که به هیچ وجه قابل اعتماد نیستند؛ زیرا نه ارزش روایت دینی را دارند و نه ارزش نقل تاریخی. تنها راه برای تشخیص ترتیب سوره‌های قرآنی و مکی یا مدنی بودن آن‌ها، تدبیر در مضامین آن‌ها و تطبیق آن با اوضاع و احوال پیش از هجرت و پس از هجرت می‌باشد» (طباطبایی، ۱۳۹۳، ج ۱۵، ص ۲۳۰). می‌توان گفت بهترین راه قابل اطمینان، برای تعیین تاریخ نزول آیات، بررسی اسناد تاریخی تا رسیدن به جدولی قابل اعتماد است. گفتنی است که هرگونه نتایج مستخرج از ترتیب نزول، اعتبارشان را از همان ترتیبی دارند که سوره‌ها و آیات بر آن اساس نازل شده‌اند. حال این بحث مطرح می‌شود که ترتیب‌های اجتهادی به میزان دوری از نقل و روایت، از اعتبار لازم و کافی برخوردار نیستند و به تبع دستاوردهای آن‌ها نیز، قابل اعتماد نباشد. «پس در تعیین ترتیب نزول سوره‌ها و در کشف آیات استثنایی و جابه‌جا شده در هر سوره، بهترین راه، بررسی نقل‌ها و روایات اسلامی موجود در تراث دینی و تاریخی مسلمانان است» (نکونام، ۱۳۸۰، ص ۷۵). می‌توان زمان نزول انبوه آیات سوره نساء را که در موضوعات مربوط به حقوق زنان و یتیمان، اصرار بر هجرت مسلمانان مکه، عتاب یهودیان مدینه و عتاب مسلمانانی که از جهاد سرباز می‌زنند، که همه در ظاهر فاقد هرگونه زمان‌مندی است؛ نازل شده در سال چهارم و پنجم هجری دانست و تفسیر دقیق‌تر از آن‌ها ارائه داد. از جمله آنکه در سال‌های مذکور، ساماندهی به وضع یتیمان و زنان بیوه جنگ احد و وضع قوانینی برای حمایت مادی-عاطفی از آنان، موجب تشریح آیات ارث و جواز چندهمسری شده است. از سوی دیگر، ضعف مسلمانان مدینه و قلت، آن موجب شده تا بیش از هر زمان، خداوند بر وجوب مهاجرت مسلمانان مکه و تهدید آنان به دوزخ در صورت عدم هجرت، اصرار ورزد. شکست در جنگ احد، موجب فعالیت آشکار منافقان و سست شدن برخی مسلمانان نسبت به جهاد شده و در نتیجه، سوره نساء به دفع مکر منافقان و تحریک مسلمانان به جهاد و توکل بر خداوند، متمرکز شده است. یکی از موضوعات مهم این سوره، عتاب‌های مکرر یهودیان قدرتمند و با نفوذ مدینه است که با توجه به زمان نزول سوره، طبیعی است که این آیات خطاب به یهودیان قدرتمند بنی قریظه که در آن زمان هنوز در مدینه بودند، باشد.

### ۳- اهداف پژوهش

تعدد زوجات در قرآن کریم از مستندات چند برخوردار است؛ در این مقاله بایسته است مهم‌ترین مستندی که برداشت‌های متنوع صاحب‌نظران در این باره را که به آن آیه شریفه مرتبط می‌شود، مورد بررسی قرار گیرد. لذا، می‌توان، اهداف پژوهش را به شرح ذیل خلاصه کرد:

- ✓ برای پژوهش درباره آیات اول تا ششم سوره نساء، چندین هدف مطرح شده:
- ✓ اولین هدف، مربوط به تاریخ نزول آیه است.
- ✓ دومین هدف پژوهش، مربوط به مضمون و شرایط نزول این آیه است.
- ✓ سومین هدف، درباره سبب نزول آیه بوده، که این پژوهش درصدد بررسی فقهی بحث مطروحه است.

### ۴- سؤالات پژوهش

- ✓ تاریخ نزول آیه سوم سوره نساء چه زمانی است؟
- ✓ مضمون و شرایط نزول این آیه کدام است؟
- ✓ تفسیر فقهی در خصوص سبب نزول آیه چه بوده است؟

### ۵- پیشینه پژوهش

در متون تفسیری، تاریخی و علوم قرآنی به زمان نزول «آیه سوم سوره نساء» اشاره دقیقی نشده است. پژوهش‌های انجام شده بیشتر بر موضوع آیه متمرکز بوده و نسبت به زمان آن اطلاعات دقیقی را ارائه نمی‌دهد. در گذشته، مفسران بیشتر به وجوب، حرمت و کراهت چندهمسری پرداخته و در صورت اعتقاد به آن، به تعیین تعداد زنانی که امکان ازدواج با آن‌ها وجود دارد؛ پرداخته‌اند. در دوره معاصر، این آیه مورد توجه قرار گرفته و پژوهش‌هایی در این باره انجام شده است.

هیچ یک از مفسران، به ارتباط لفظی و معنوی این آیات توجه نکرده‌اند. این مفسران به سیاق آیات نیز اهمیت نداده‌اند. بیشتر مفسران، درباره شأن نزول این آیات، نکاتی را یادآوری کرده‌اند، اما در این شأن نزول‌ها، زمان نزول این آیات مشخص نشده است. مقالات و پایان‌نامه‌های مرتبط با این آیه بیشتر ناظر بر موقعیت فقهی، حقوقی، اخلاقی و عرفی این مسئله در بین مسلمانان است. در پژوهش‌های انجام شده، بر تعیین زمان نزول این آیه و فضای نزول آن توجهی نشده است تا بتوان تفسیر صحیح‌تری ارائه داد. در تفاسیر بیشتر به ازدواج با فرزندان یتیم توجه شده، درحالی‌که، با دقت در زمان نزول آیه، ازدواج با زنان بی‌سرپرست یتیم‌دار فهمیده می‌شود.

بعضی از مفسران با مبنا قراردادن آیات اول این سوره، زمان نزول آیات را بعد از جنگ احد و اوایل سال چهارم می‌دانند (طبرسی، ۱۴۰۸ق، ج ۲، ص ۱۴؛ طوسی، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۱۰۳). برخی دیگر نزول این سوره را بعد از صلح حدیبیه و جنگ مریسج می‌دانند (ابن عاشور، ۱۴۲۰ق، ج ۴، ص ۲۱۲). با استناد به روایات اسباب نزول و ارزیابی و تطبیق آن‌ها با منابع اصیل تاریخی، آیات ۵۱-۵۲ (سفر بزرگان یهود به مکه) و ۱۰۱-۱۰۲ (تشریح نماز خوف در ذات‌الرقاع) در سوره نساء زمان‌دار است. «با تکیه بر گزارش‌های متقن تاریخی، هر دو در سال چهارم هجری واقع شده که باتوجه به آیات قبل و بعد، تاریخ‌گذاری سوره نساء را به جمادی‌الاول سال چهارم تا رجب سال پنجم هجری می‌رساند» (کلباسی اشتری، ۱۳۹۶، ص ۱۴۲).

## ۶- نوآوری پژوهش

در عصر حاضر، حقوق زن در اسلام نه تنها از دایره بحث فقط فقهی به بحثی کلامی- فقهی تبدیل شده، بلکه به محور برخورد اندیشه مدرن با اسلام و کانون گفتمان اسلام و غرب تبدیل شده است. به همین دلیل، سخن به میان آوردن درباره نگاه اسلام به زن و دفاع عقلانی از قوانین آن، برای اندیشمندان مسلمان امری ضروری است (امامی، ۱۳۹۲، ص ۴۵). یکی از این کانون‌های اندیشه مدرن، حکم شرعی «چندهمسری مردان» یا تعدد زوجات است که به نظر بیشتر فقها و اسلام‌شناسان در مذاهب مختلف اسلامی، جایز شمرده شده است. تعدد زوجات به معنای چند تن بودن همسران مردی، در یک زمان بوده است. به نظر همه اسلام‌شناسان، در برابر این حکم، چندهمسری برای یک زن و در یک زمان هرگز جایز نبوده و این دو حکم متفاوت برای مرد و زن، یکی از موارد جنجال‌برانگیز احکام شرعی بوده که مورد اعتراض‌ها و پرسش‌های فراوانی در دوران حاضر شده است (همان). از آنجا که در مورد آیه سوم سوره نساء و ارتباط میان بخش‌های این آیه و ربط شرط به اجزاء پرسش‌ها، ابهاماتی وجود دارد که باعث شده نظرها و دیدگاه‌های بسیاری در تفسیرهای مختلف ارائه شود. لذا، این پژوهش قصد بر از بین بردن این ابهامات درباره تاریخ‌گذاری آیات، شرح مضمون اصلی آیات و همچنین هدف نزول آیات با رویکرد فقهی دارد که در نوع خود دارای نوآوری است.

## ۷- روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش تلاش دارد با عنایت به تفاسیر مختلف، آیات یک تا شش سوره نساء درباره روابط زوجین و با مراجعه به منابع تفسیری، فقهی و حقوقی، به روش توصیفی- تحلیلی و بهره بردن از تفسیر اجتهادی، دیدگاه‌های متفاوت عالمان را پیرامون تعدد زوجات، مورد بحث و بررسی قرار داده و اندیشه اخلاقی و مدرن قرآن کریم، در از بین بردن معضل غیراخلاقی تعدد زوجات را در جامعه معاصر تبیین نماید.

## ۸- یافته‌های پژوهش

در این پژوهش بر آن هستیم تا به سه موضوع مطرح‌شده در طرح مسئله، جواب داده و با نگاه تاریخی- فرهنگی، تفسیر فقهی از این آیات ارائه دهیم. بنابراین، با بررسی و دقت در ترتیب نزول آیات، شأن نزول سوره و نکات تاریخی موجود در آیات این سوره، سعی کرده‌ایم تا تاریخ دقیق یا تقریبی زمان نزول آیات را به دست آوریم. از این رو با پاسخ به سؤالات پژوهش، به بررسی آن‌ها می‌پردازیم.

### ۸-۱. تاریخ نزول آیه سوم سوره نساء

بحث با موضوع اختلاف نظر درباره تاریخ دقیق نزول آیه مورد نظر آغاز می‌گردد. یکی از مبانی تعیین زمان نزول یک سوره، نزول آیات اول آن است. «علامه طبرسی و دیگر بزرگان فن، متذکر می‌شوند که رعایت ترتیب سوره‌ها، نظر به ابتدای هر سوره است. اگر سوره‌ای تا چند آیه نازل شود، و پیش از اتمام آن سوره، سوره دیگری به طور کامل نازل گردد، و حتی چند سوره دیگر در این میان به صورت کامل نازل شود، آن‌گاه بقیه سوره نخست نازل شود، در این حالت نیز اعتبار ترتیب، مبدأ نزول هر سوره خواهد بود» (طبرسی، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۱۲).

بر این مبنا، سوره نساء مدنی است. «این سوره در ترتیب مصحف، چهارمین سوره و در ترتیب نزول، نود و دومین سوره قرآن کریم است که پیش از آن، سوره ممتحنه و پس از آن سوره زلزال نازل شده است» (حجتی، ۱۳۶۶، ج ۲، ص ۲۰۴). سوره نساء هیچ تصریحی به یک رخداد زمانمند ندارد؛ اما نظر به این که از یتیمان و بیوه‌گان و تقسیم ارث



و جز این‌ها سخن رفته است، می‌توان گفت، به احتمال قوی باید این سوره بعد از جنگ‌های بدر و احد نازل شده باشد. نظر به این که در این سوره، از ظلم قریش به مسلمانان مکه سخن رفته است و از مسلمانان خواسته شده است، برای نجات آنان به جنگ با قریش بپردازند (نساء، ۷۵)؛ به احتمال قوی سوره نساء، قبل از صلح حدیبیه که در ذی‌قعدة سال ششم هجری میان مسلمانان و قریش برقرار شد، نازل شده است. سوره نساء در روایات ترتیب نزول نیز بعد از سوره احزاب، قرار گرفته که آن سوره به مناسبت جنگ احزاب نازل شده و این جنگ در ذی‌قعدة سال پنجم هجری واقع شده است. بنابراین، می‌توان گفت که سوره نساء بعد از جنگ احزاب در حدود اوایل سال ششم هجری نازل شده است. «بدون شک، این سوره بعد از سوره آل‌عمران نازل شده است، چون احکام به شکل مفصل در این سوره نازل گردیده و این تفصیل نشانه استقرار مسلمانان در مدینه است. آیه تیمم که در این سوره نازل شده است، مربوط به جنگ «مریسع» در سال پنجم و یا ششم است. آنچه که مشخص است این سوره در حدود سال هفتم نازل شده است» (ابن عاشور، ۱۴۲۰ق، ج ۴، ص ۲۱۲-۲۱۳).

درباره زمان نزول این سوره و این واحد از آیات این سوره (آیات اول تا چهل و دوم) احتمالاتی ذکر شده، که ناشی از اختلاف نظر بین زمان‌های استنباطی است که این زمان‌ها عبارتند از:

۱. این آیات بعد از جنگ احد (سال سوم) نازل شده است. این سوره بعد از سوره آل‌عمران نازل شده است، چون احکام به شکل مفصل در این سوره نازل گردیده و این تفصیل نشانه استقرار مسلمانان در مدینه است.
۲. احتمال دوم، براساس آیه هفتاد و پنجم این سوره، این آیات قبل از صلح حدیبیه، در سال ششم نازل شده است.
۳. احتمال سوم، این سوره بر اساس ترتیب نزول بعد از سوره احزاب که مربوط به جنگ احزاب است نازل شده است. جنگ احزاب در ذی‌قعدة سال پنجم بوده و سوره نساء در سال ششم نازل شده است (فیومی، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۳۵۲).
۴. احتمال چهارم، چون آیه تیمم در این سوره است؛ پس باید این سوره در زمان جنگ «مریسع» نازل شده باشد. جنگ مریسع در سال پنجم یا ششم روی داده است (ابن عاشور، ۱۴۲۰، ج ۴، ص ۲۱۲-۲۱۳).

نتیجه بحث مطرح شده این است که در این احتمالات ذکر شده، زمان نزول سوره، بین سال‌های سوم تا هفتم تخمین زده می‌شود. با توجه به اینکه، ما به دنبال تعیین تاریخ آیات اولیه این سوره هستیم، این آیات به تناسب موضوع مطرح شده در آن، که مربوط به حفظ اموال و اعراض خانواده‌های شهیدان و متوفیان در جنگ‌ها و موقعیت‌های پیش آمده است، می‌توان گفت که این آیات بعد از جنگ‌های بدر و احد (سال چهارم هجرت) نازل شده است.

## ۲-۸. موضوع دوم

چه شرایطی برای احراز آن مطرح است؟ چه کسانی می‌توانند به این امر مبادرت ورزند؟ آیا در اسلام چهارچوبی برای این مورد تعریف نشده است؟ و اختلافات خانوادگی ناشی از آن چگونه بررسی و قضاوت خواهد شد؟

واحد نزولی که آیه سوم سوره نساء، در آن قرار گرفته، حداقل از آیه اول تا چهل و دوم سوره نساء است؛ چون میان این آیات پیوستگی لفظی و مضمونی برقرار است و این آیات با حرف عطف «و-ف» به هم مرتبط شده‌اند و موضوع مشترک دارند. این ارتباط لفظی-معنوی، نشانه نزول هم‌زمان این آیات است. لذا، این آیه با ۴۲ آیه نخست سوره نساء، هم‌گون و هم سیاق است. حتی اگر این دیدگاه را نپذیریم، شش آیه اول این سوره بر یک موضوع دلالت دارد که آیه سوم سوره نساء نیز جزء آن است.

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا (۱) وَآتُوا الْيَتَامَىٰ أَمْوَالَهُمْ وَلَا تَتَبَدَّلُوا الْخَبِيثَ بِالطَّيِّبِ وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَهُمْ إِلَىٰ أَمْوَالِكُمْ إِنَّهُ كَانَ حُوبًا كَبِيرًا (۲) وَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسِطُوا فِي الْيَتَامَىٰ فَانكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَثْنَىٰ وَثُلَاثَ وَرُبَاعَ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَلَّا تَعُولُوا (۳) وَآتُوا النِّسَاءَ صَدُقَاتِهِنَّ نِحْلَةً فَإِنْ طَبْنَ لَكُمْ عَنْ شَيْءٍ مِنْهُ نَفْسًا فَكُلُوهُ هَنِيئًا مَرِيئًا (۴) وَلَا تُوْثُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالِكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا وَارْزُقُوهُمْ فِيهَا وَاكْسُوهُمْ وَقُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَعْرُوفًا (۵) وَابْتَلُوا الْيَتَامَىٰ حَتَّىٰ إِذَا بَلَغُوا النِّكَاحَ فَإِنْ آنَسْتُمْ مِنْهُمْ رُشْدًا فَادْفَعُوا إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ وَلَا تَأْكُلُوهَا إِسْرَافًا وَبِدَارًا أَنْ يَكْبَرُوا وَمَنْ كَانَ غَنِيًّا فَلْيَسْتَعْفِفْ وَمَنْ كَانَ فَقِيرًا فَلْيَأْكُلْ بِالْمَعْرُوفِ فَإِذَا دَفَعْتُمْ إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ فَأَشْهَدُوا عَلَيْهِمْ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ حَسِيبًا (۶) این شش آیه با حرف ربط (و) با هم ارتباط مفهومی یافته و به یک موضوع اشاره دارند.

طی این شش آیه اظهار شده است که تقوا را درباره زنان که حقیقت وجودی آن‌ها با حقیقت وجودی شما یکی است رعایت کنید. در این آیات مصادیق رعایت تقوا را مشخص کرده که اموال یتیمان را بدهید و اموال آن‌ها را با اموال خود نیامیزید و اموال نامرغوب خود را با اموال مرغوب آن‌ها عوض نکنید و اگر بیم دارید که راجع به یتیمان قسط نوزید، با مادران‌شان ازدواج کنید؛ اما اگر بیم دارید، میان همسران‌تان به عدالت رفتار نکنید، از آن پرهیز نمایید یا با کنیزان ازدواج کنید و مهر همسران را نیز پرداخت کنید. وقتی یتیمان به سن بلوغ جنسی و عقلی رسیدند، اموال‌شان را به خودشان برگردانید.

نتیجه بررسی‌ها و مرور آیه سوم سوره نساء، شرایط کسانی که می‌توانند چندهمسری اختیار کنند را نشان می‌دهد. طبق این آیات، افرادی از مردان مسلمان در جنگ‌ها کشته شده بودند و بیوه‌گان و یتیمان و اموالی را به جای نهاده بودند و این زمینه‌ای شده بود که به اموال یتیمان دست‌درازی شود و زنان نیز به فحشاء بگرایند؛ لذا، طی آیه ۳ سوره نساء، به مردان امر شده است، این بیوه‌گان را به همسری بگیرید تا از رهگذر آن، هم یتیمان و هم بیوه‌گان سرپرست پیدا کنند (نک. به: حجتی، ۱۳۶۶، ج ۲، ص ۲۰۴؛ مدرسی، ۱۴۱۹ق؛ مدنی، ۱۳۷۸ق، ص ۳۸). این آیات درصدد حل یک معضل اجتماعی است. برای اینکه هسته مرکزی نظام اسلامی، خانواده است. خانواده سالم، اجتماع سالم را به وجود می‌آورد.

در آیه ۱۲۹ همین سوره، به‌عنوان پیش‌فرض مشروعیت چندهمسری مردان، جایز انگاشته شده و سخن در رعایت شرط عدالت میان همسران است. قرآن در این آیه رعایت کامل عدالت را فوق استطاعت مرد دانسته، ولی از او می‌خواهد که در حد توان در اجرای عدالت کوشا باشد. آیه ۲۳ نیز، دلیل التزامی بر مشروعیت تعدد زوجات دارد که در همین سوره، جمع میان دو خواهر در ازدواج تحریم شده است؛ زیرا در فرض نامشروع بودن آن، حکم به حرمت ازدواج با دو خواهر در یک زمان، لغو خواهد بود (امامی، ۱۳۹۲، ص ۵۹).

بعد از اتفاق فقیهان در مشروعیت تعدد زوجات، میان آن‌ها در حکم تکلیفی آن اختلاف وجود دارد. بدون شک حکم ازدواج مجدد، اگر نیاز و ضرورت اقتضا کند، مستحب یا حتی واجب خواهد بود؛ چنانکه اصل ازدواج نیز به دلایل عارضی ممکن است مشمول یکی از احکام پنج‌گانه گردد (بلاغی، ۱۴۲۰ق). ولی درباره حکم نفسی آن - فارغ از جهات عارضی - سه قول اباحه، استحباب و کراهت موجود ماست. روشن است که امر به ازدواج با دو، سه و چهار

زن در قرآن کریم دلالت بر واجب بودن آن نیست و در هیچ یک از مذاهب اسلامی نیز فتوا به وجوب تعدد زوجات وجود ندارد (اردبیلی، ۱۴۰۳ق، ص ۵۰۹).

بعضی از فقها می‌گویند: حکم به مستحب بودن ازدواج، مطلق است. پس هم‌چنان که شامل ازدواج اول شده، ازدواج دوم و پس از آن را هم شامل می‌شود (غزالی، بی‌تا، ص ۶، ص ۷۷). این ادعا نیز دارای اشکال است؛ زیرا بسیاری از روایاتی که مستند حکم به استحباب ازدواج دارد، در مقام نفی و ذم عزوبت است و از ازدواج مجدد منصرف است. این انصراف در سایر روایات هم وجود دارد. بنابراین، به نظر می‌رسد حکم نفسی چندهمسری، مباح بوده که ممکن است به یکی از دلایل عارضی، دارای یکی از احکام چهارگانه تکلیفی دیگر شود (امامی، ۱۳۹۲، ص ۴۳).

از نظر اسلام در شرایط طبیعی، نظام تک همسری مطلوب‌تر بوده و قانون تعدد زوجات برای موارد خاص و گروه اندکی تشریح شده است و خلاف اصل اولی در نظام خانواده است (غزالی، بی‌تا، ج ۶، ص ۱۵۹)؛ زیرا اگر چندهمسری بر تک‌همسری رجحان داشت و طبیعت انسان‌ها با آن سازگار بود، در نظام خلقت نیز تعداد زنان باید دو برابر مردان می‌بود تا امکان بهره‌مندی همه مردان از این امر مطلوب و موافق طبیعت آن‌ها فراهم می‌شد (امامی، ۱۳۹۲، ص ۴۵). تساوی نسبی تعداد زنان و مردان در نظام تکوین نیز این نکته را تأیید می‌نماید.

### ۳-۸. سومین بحث

برای سبب نزول این آیه، اختلاف نظرهای زیادی وجود دارد که در ذیل به وجوه گوناگونی اشاره شده است که به شش وجه آن می‌پردازیم.

الف- اول، «حسن بصری و جبائی و مبرد از عایشه روایت کرده‌اند که این آیه درباره دختر یتیمی نازل گردیده که تحت سرپرستی قیم خویش بوده و قیم مزبور، مایل و راغب به ازدواج با او، به خاطر مال و جمال وی، آن هم بدون پرداخت مهر و کابین گردید. البته در چنین مواردی از ازدواج با چنین دختری بدون پرداخت مهر و کابین جلوگیری به عمل آمد» (سیوطی، ۱۴۰۴ق، ص ۱۱۹) و «دستور رسید که با غیر آن یتیم ازدواج نمایند تا چهار زن و اگر از اداره کردن چهار زن ترس داشته باشند با یک نفر ازدواج کنند». این آیه ارتباط معنایی و مضمونی با آیه «يَسْتَفْتُونَكَ فِي النِّسَاءِ قُلِ اللَّهُ يُفْتِيكُمْ فِيهِنَّ وَمَا يُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ فِي الْكِتَابِ فِي يَتَامَى النِّسَاءِ اللَّاتِي لَا تُؤْتُونَهُنَّ مَا كُتِبَ لَهُنَّ وَ تَرْغَبُونَ أَنْ تَنْكِحُوهُنَّ» که آیه ۱۲۷ همین سوره است، دارد» (طبری، ۱۴۲۰ق، ج ۴، ص ۱۵۵). این سبب نزول با اصل موضوع این آیات هم‌خوانی ندارد. دستور آیه ازدواج با زنان بی‌سرپرست است نه با دختران یتیم. منشأ نقل این سخن، عایشه است. او از پیامبر چیزی را نقل نمی‌کند، بلکه نظر اجتهادی خودش را ارائه می‌دهد. عایشه واژه «یتامی» را به «یتیمات» معنا می‌کند. این تغییر معنا، باعث اشتباه تفسیری بعضی از مفسران شده است (رک. به: تفاسیر المیزان، نمونه و تسنیم ذیل آیه سوم سوره نساء). اگر این آیه را متصل به آیه ۱۲۷ این سوره بدانیم؛ به نوعی قائل به برهم خوردن سیاق آیات شده‌ایم که بوی تحریف قرآن از آن به مشام می‌رسد (سبزواری، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۲۵۶).

ب- دوم، ابن عباس و عکرمه گویند: «مردان با چهار زن ازدواج می‌کردند و نیز با پنجمی و ششمی. تا ده زن نیز ازدواج می‌نمودند و برای خود مانعی نمی‌دیدند و اگر دارائی آن‌ها با این ازدواج متعدد از بین می‌رفت به اموال یتیم دست‌درازی می‌کردند و آن را خرج می‌نمودند. خداوند با نزول این آیه آنان را از ازدواج با بیش از چهار زن نهی فرمود. تا مجبور نشوند به مال یتیم، دست‌درازی نمایند و نیز فرمود: اگر از اداره کردن چهار زن از لحاظ مخارج عاجز شوند، به یک نفر اکتفا کنند» (اندلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۳، ص ۵۰۳؛ طوسی، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۱۰۴). این سبب نزول به

ازدواج با زنان بی سرپرست هیچ اشاره‌ای ندارد. تنها به محدودیت ازدواج با چهار زن اشاره می‌کند. «نکته دیگری که در این به ظاهر شأن نزول، ذکر شده است؛ دیدگاه اجتهادی ابن عباس است، نه روایت از پیامبر. از نظر منطقی سخن و دیدگاه ابن عباس حجیت شرعی ندارد» (طباطبایی، ۱۳۹۳ق، ج ۴، ص ۱۵۲).

ج- سوم، سعید بن جبیر، سدی، قتاده، ربیع و ضحاک نیز در یکی از روایات مربوط به ابن عباس گویند که مردم بر زنان سخت می‌گرفتند و با گرفتن چهار زن میان آنان عدالت را مراعات نمی‌نمودند. سپس این آیه نازل شد و فرمود: «همچنانی که می‌ترسید که نتوانید عدالت را میان یتیمان مراعات کنید؛ با ازدواج با چهار زن نیز به خاطر عدم توانایی اجرای عدالت، بپرهیزید و به یک نفر اکتفا نمائید». این سبب نزول فقط به رعایت عدالت بین همسران اشاره دارد. به موضوع اصلی ازدواج با زنان بی سرپرست هیچ اشاره‌ای ندارد. سخن این افراد هم حجیت شرعی ندارد.

د- چهارم، مجاهد گوید: اگر می‌ترسید که نتوانید درباره ولایت ایتم عدالت را مراعات کنید و نیز می‌ترسید که مبادا دارائی آنها را حیف و میل نمائید و نیز از زنا نمودن هم باک دارید، به نکاح و ازدواج مباح از یک زن تا چهار زن بردازید و اگر می‌ترسید که نتوانید عدالت را میان آنها مراعات کنید به یک نفر اکتفا نمائید. «این سخن هیچ اشاره‌ای به ازدواج با زنان بی سرپرست دارای فرزند یتیم ندارد، بلکه مربوط به مطلق ازدواج با چهار زن است» (دمشقی، ۱۴۱۹ق، ج ۲، ص ۵۸۹).

ه- پنجم، حسن بصری گوید: اگر می‌ترسید که نتوانید عدالت را درباره یتیمی که تحت سرپرستی شما است، مراعات کنید؛ می‌توانید با زنان خوب از ایتم دیگر که از نزدیکان و خویشاوندان شما هستند، تا چهار زن ازدواج کنید و «اگر هم می‌ترسید که عدالت را مراعات نکنید به یک زن اکتفاء نمائید و یا به ملک یمین بردازید؛ چنان‌که جبائی نیز گفته است و گوید که خطاب آیه متوجه اولیاء یتیم است. در صورتی که اراده ازدواج با آنها را نمایند یا خواسته باشند قبل از بلوغ با آنان ازدواج کنند» (بلاغی، ۱۴۲۰ق، ج ۲، ص ۶). این نقل هم با اشکالاتی روبرو است. «یتامی» جمع مکسر برای مذکر و مونث است. این نقل آن را به معنای «یتیمات» گرفته است که اشتباه فاحشی به حساب می‌آید» (فیومی، ۱۳۷۸ق، ج ۸، ص ۳۲۲). همچنین یک برداشت تفسیری نادرست از آیه در این نقل ارائه شده است. هیچ یک از کلمات آیه سوم و آیات بعد آن به ازدواج با دختران یتیم قبل از سن بلوغ جنسی و عقلی اشاره ندارد.

ح- ششم، فرآء گوید: اگر پرستاری ایتم بر شما سخت و مشکل است. بنابراین، از جمع ازدواج بین ایتم و دیگران بپرهیزید که نتوانید میان آنها عدالت را مراعات کنید (قطب راوندی، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۹۵-۹۷؛ آلوسی، ۱۴۰۵ق، ج ۴، ص ۱۸۹؛ طبرسی، ۱۴۰۸ق، ج ۳، ص ۱۰؛ مکارم شیرازی، ۱۳۶۹ق، ج ۳، ص ۲۵۲).

این نقل به نکته‌ای اشاره دارد. آن نکته این است که ازدواج با یتیمان ممکن است، شما را از مسیر عدالت خارج سازد. در این امر، شرط عدالت، یک اصل اساسی به حساب می‌آید و مشروط به رعایت عدالت فقهی- حقوقی است. این روایت به نوعی مؤید دیدگاه این مقاله است. این مقاله این نکته را بیان می‌کند که آیه سوم سوره نساء به ازدواج با زنان بی سرپرست دارای فرزند یتیم نظر دارد نه به ازدواج با یتیمان.

در این وجه ذکر شده یک نکته مشترک وجود دارد. آن وجه مشترک این است که به زمان نزول آیه سوم سوره نساء، هیچ اشاره‌ای نشده و فقط تکیه بر، رعایت عدالت با همسران، خصوصاً همسران یتیم است. «موضوع این آیه، یتیمانی است که بر اثر وقوع حوادث جنگی و کشتارها، بی سرپرست می‌شدند و مسلمانان سرپرستی و اداره اموال آنان را برعهده می‌گرفتند» (مدرسی، ۱۴۱۹ق، ص ۲۰). درباره این آیه، آرای تفسیری متعددی ذکر شده، ولی به نظر مشهور

مفهوم آیه این است: «اگر می‌ترسید که به هنگام ازدواج با دختران یتیم، عدالت را درباره آنان رعایت نکنید، با دیگر زنان حلال، دو یا سه یا چهار زن، ازدواج کنید، و اگر می‌ترسید که عدالت را درباره همسران متعدد مراعات ننمایید، تنها به یک همسر اکتفاء کنید» (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۶۶۶؛ طبرسی، ۱۴۰۸ق، ج ۲، ص ۱۴؛ فخررازی، ۱۴۰۵ق، ج ۹، ص ۴۸۵؛ نساء، ۳).

نتیجه بررسی اینکه، در این شش وجه ذکر شده یک مسئله و موضوع اجتماعی - ارائه حل معضل زنان بیوه دارای فرزند - مورد توجه قرار نگرفته است و آن موضوع حل یک معضل اخلاقی، اجتماعی است. باتوجه به اینکه بعد از جنگ، تعدادی زن و فرزند بی سرپرست در جامعه جنگ‌زده باقی می‌ماند. این گروه از افراد نیازمند سرپرست و حامی مالی، فکری، عاطفی و تربیتی هستند. این آیه، سه مسئله حمایت و وکالت مالی، اجتماعی و عاطفی زنان و فرزندان بی سرپرست را برای مسلمانان مشخص می‌سازد. یکی از راه‌های حمایت، ازدواج با مادران بیوه دارای فرزند باقی مانده از کشته‌شدگان در جنگ است. «با توجه به این نکته که آیات اولیه سوره نساء بعد از پایان جنگ احد در سال سوم هجرت نازل شده، با نزول این آیه، معضل اجتماعی بی سرپرستی فرزندان یتیم و مادران آن‌ها، راه‌حل یافته است» (حجتی، ۱۳۶۶، ج ۲، ص ۲۰۴).

#### ۴-۸. جمع‌بندی نکات تفسیری موجود در شش آیه اول سوره نساء

آیات اول تا ششم سوره نساء، نکاتی را درباره یکی از معضلات اجتماعی دوران زندگی مسلمانان در مدینه و راه‌حل آن را به تصویر می‌کشد. در آیه اول این سوره نکاتی یادآوری شده است که عبارتند از: «نکته اول: رعایت تقوای الهی در ارتباط با خدا که آفریدگار و مدبر انسان است را یادآوری می‌کند. نکته دوم: حقیقت مشترک انسانی زن و مرد را یادآوری می‌نماید. نکته سوم: رعایت تقوای الهی در زمینه ارحام است. «یا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا» (جوادی، ۱۳۸۸، ج ۱۷، ص ۱۵). این سه نکته نوعی هشدار برای مسلمانان است تا به وظیفه خود، واقف شوند. هشدار اساسی این آیه، نظارت مداوم خدا بر بندگانش است (طباطبایی، ۱۳۹۳ق، ج ۴، ص ۱۵۶).

آیه دوم یکی از مصادیق رعایت تقوا در ارتباط با موردی است که انسان به خاطر آن، مورد پرسش قرار می‌گیرد. مورد پرسش «سرپرستی یتیمان و حفاظت از اموال آنهاست» «وَأَتُوا الْيَتَامَىٰ أَمْوَالَهُمْ...». این آیه، تأکید بر حفاظت و بازگرداندن اموال یتیمان به آن‌ها را دارد. دقت در آیه دوم، دو نکته را به ما یادآوری می‌کند:

نکته اول: «یتامی» جمع مکسر برای مفرد «یتیم» است که شامل دختر و پسر نابالغ پدر ازدست‌داده می‌شود» (راغب اصفهانی، ۱۳۶۸، ص ۵۵۰؛ ابن فارس، ۱۳۹۹ق، ص ۱۱۰۹).

نکته دوم: حفاظت و بازگرداندن اموال یتیمان است. «با دقت در معنای آیه دوم و سوم، معنای مجموع دو آیه چنین می‌شود. «درباره ایتام تقوا پیشه کنید و خبیث را با طیب عوض ننمایید و اموال آنان را مخلوط با اموال خود نخورید، حتی اگر ترسیدید که در مورد آن‌ها نتوانید رعایت عدالت بکنید و ترسیدید که به اموال‌شان تجاوز کنید، آن‌ها را به حال خود واگذارید و...» (طبرسی، ۱۴۰۸ق، ج ۴، ص ۵۲؛ طباطبایی، ۱۳۹۳ق، ج ۴، ص ۱۶۱).

آیه سوم «وَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسَطُوا فِي الْيَتَامَىٰ فَانْكَحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَثْنَىٰ وَثُلَاثَ وَرُبَاعَ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَلَّا تَعُولُوا» چند نکته را بیان می‌کند:

نکته اول: جمله شرطی اول آیه نیازمند جواب است. جواب شرط جمله «فَانْكَحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ...» است.

نکته دوم: متعلق «أَلَا تُفَسِّطُوا» محذوف یا مقدر است. بعضی از مفسران متعلق را «نکاح» در نظر گرفته‌اند (رک: المیزان، نمونه، تسنیم). این مفسران «یتامی» را به «یتیمات» تفسیر نمودند. منشأ چنین تفسیری، سخن عائشه است؛ که در بخش احتمالات، نقد و بررسی شد و غیر قابل قبول اعلام گردید. اگر بخواهیم برای متعلق «اقساط یتامی» کلمه‌ای را در نظر بگیریم، باید با سیاق آیات قبل و بعد این آیات سازگاری و هماهنگی داشته باشد. در آیه دوم و پنجم سخن از اموال یتیمان است. «بنابراین، در آیه سوم هم باید سخن از اموال آن‌ها باشد. متعلق محذوف «اموال یتامی» است نه «نکاح یتامی» برای این که اموال با سیاق آیات قبل و بعد سازگار است» (قمی مشهدی، ۱۳۶۸، ج ۱، ص ۱۳۸). «اگر «نکاح» را در تقدیر بگیریم خلاف ظهور آیه می‌شود. ما نمی‌توانیم خلاف ظهور آیه، کلمه‌ای را در تقدیر بگیریم» (قرطبی، ۱۴۰۵، ج ۶، ص ۲۶).

نکته سوم: مربوط به کلمه «فانکحوا» در آیه ۳ سوره نساء است. این واژه فعل امر بوده که نشانه واجب بودن است. «دو نوع واجب وجود دارد؛ واجب فردی و واجب اجتماعی». این آیه درصدد بیان واجب اجتماعی است که مانند پیروی مأموم از امام جماعت می‌باشد. این وجوب با توجه به شرایط جامعه می‌تواند کفایی یا عینی باشد. این آیه وجوب اجتماعی برعهده گرفتن سرپرستی زنان بیوه و فرزندان آن‌ها و اموال و تربیت آن‌ها را بیان می‌کند. نمی‌توان «فانکحوا» را حمل بر وجوب دانست چرا که در این صورت باید گفت، نکاح با بیش از یک زن واجب بوده درحالی که اینگونه نیست (حرعاملی، ۱۴۱۲، ص ۲۶۷).

نکته چهارم در این آیه، مربوط به سه کلمه «مَثْنَى وَثُلَاثَ وَرُبَاعَ» است. «مفسران از این سه کلمه «تعداد» را برداشت کرده و تعداد همسران را به چهار همسر و نه همسر و هیجده همسر تفسیر کرده‌اند. این معنا ضروری و بدیهی است که اسلام، داشتن بیش از چهار همسر را تجویز نکرده است. «به اتفاق نظر فقیهان همه مذاهب اسلامی، اختیار همسر پنجم در ازدواج دائم جایز نیست. دلیل اصلی این حکم، آیه ۳ سوره نساء و روایاتی است که در منابع روایی شیعی و سنی نقل شده است؛ بر اساس نظر مشهور فقهای امامیه، این حکم فقط مخصوص ازدواج دائم است» (بیهقی، ۱۴۲۴، ج ۷، ص ۱۸۱-۱۸۴).

در آیات دیگری از قرآن، این سه واژه به کار رفته است. در آیه اول سوره فاطر این واژه‌ها آمده است. «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ فَاطِرِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ جَاعِلِ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا أُولَىٰ أَجْنَحَةٍ مَّثْنَىٰ وَثُلَاثَ وَرُبَاعَ يَزِيدُ فِي الْخَلْقِ مَا يَشَاءُ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» «اکثر مفسران این سه کلمه را در این آیه، نشانه کثرت می‌دانند نه تعیین کننده عدد یک معدود» (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۲۴؛ فخر رازی، ۱۴۰۵، ج ۹، ص ۴۸۶؛ سبزواری، ۱۴۱۴، ج ۳، ص ۳۱۳). نکته پنجم مربوط به دومین جمله شرطی در این آیه است. «فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَلَّا تَعُولُوا»، این بخش از آیه تعدد همسرها را مشروط به رعایت عدالت درباره همسران می‌داند. عدالت در این بخش از آیه مطلق است. شامل هر نوع عدالت می‌شود. البته عدالت در روایات فقهی تفسیری مقید به قیودی شده است. واژه یکی از کلمات موجود در این آیه، کلمه (عول) است. «عول مصدر فعل (تعولوا) و به معنای میل و انحراف است» (راغب اصفهانی، ۱۳۶۸، ذیل لغت عول). یعنی این طریقه به همین وجهی که تشریح شده است؛ شما را به منحرف نشدن از راه میانه و حد وسط نزدیک‌تر می‌کند. قهراً وقتی به این طریقه عمل کردید از انحراف دور و دورتر می‌شوید و دیگر به حقوق زنان تجاوز نمی‌کنید. «جمله مورد بحث، جمله‌ای است که جنبه تعلیل دارد، یعنی حکمت تشریح قبلی را بیان می‌کند و دلالت بر این می‌کند که اساس تشریح در احکام نکاح، بر قسط و عدالت و از بین بردن

عول و انحراف و اجحاف در حقوق است» (طباطبایی، ۱۳۹۳ق، ج ۴، ص ۱۶۳). بر اساس قسمت آخر این آیه باید گفت، در حالت و شرایط عادی، قرآن تک همسری را توصیه و تأیید می‌کند و در شرایط خاص اجتماعی برای حل معضل اجتماعی، چندهمسری را با رعایت شرایط مربوط به آن به شکل کفایی مجاز می‌داند. انتخاب چند همسر در نظام حقوقی اسلام با قیود و شرایطی پذیرفته شده است. با این همه، دانشمندان مسلمان درباره چگونگی پذیرش آن در اسلام و حدود آن آرای مختلفی ابراز داشته‌اند (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۴۵۷).

نکته ششم مربوط به این است، که فقه و حقوق متضمن وضع قوانین کلان برای عموم افراد جامعه است. قوانین حقوقی و فقهی باید قوانینی باشند که برای عموم مردم قابل تحمل از جهت اجرایی بوده، مصلحت عموم آنان در آنها در نظر گرفته شده باشد. ولی اخلاق، هر چند دارای قواعد و اصول ثابت و غیر قابل تغییر است؛ این قوانین پایدار در شرایط و مختصات متفاوت افراد و جوامع، در تعارض با یکدیگر قرار می‌گیرند و گاهی اولویت‌های خویش را از دست می‌دهند، سپس قانون اخلاقی دیگری برتری می‌یابد. از این رو، نمی‌توان اخلاق را بدون در نظر گرفتن ویژگی‌های خانوادگی، فردی و اجتماعی افراد در نظر گرفت. زندگی مطلوب، با اینکه مخالفتی با قوانین حقوقی و فقهی ندارد، اخلاق نیز نباید در آن نادیده گرفته شود (امامی، ۱۳۹۲، ص ۴۶).

## ۹- نتیجه‌گیری

نتایج حاصل از این پژوهش عبارتند از:

بعد از بررسی آیات و روایات و اختلاف نظرها با توجه به شأن نزولها، سیاق آیات و موضوعات مطرح در این آیات، زمان تقریبی نزول این واحد از آیات سوره نساء، مربوط به زمان بعد از جنگ احد و اواخر سال سوم و اوایل سال چهارم هجرت است.

موضوعات مطرح شده در این واحد از آیات، بیشتر روابط اجتماعی بین مسلمانان است. این نوع ارتباط، مربوط به دوره بعد از هجرت و دوره ده‌ساله نبوت پیامبر اسلام (ص) است. چرا که سال سوم و چهارم هجرت بود، که روابط مسلمانان در مدینه شکل گرفته بود و مسلمانان می‌بایست به شیوه صحیحی با هم ارتباط می‌داشتند. این آیات این نوع ارتباط را یادآوری می‌کند که یکی از انواع ارتباطات اجتماعی، ازدواج با زنان بی‌سرپرست دارای فرزند یتیم است و بحث حمایت مالی، اجتماعی و عاطفی در این آیات، یکی از نکته‌های اساسی این پژوهش بود.

موضوع بعدی این آیات، برای سرپرستی و رسیدگی به امور زنان و کودکان بی‌سرپرست است که با ازدواج مجدد زنان بی‌سرپرست، یک حامی و مربی برای فرزندان‌شان فراهم می‌شد به کمک این آیات، شرایط این مهم، دقیق تبیین می‌شود تا از معضلات خانوادگی احتمالی، جلوگیری کند.

در جمع‌بندی کلی، می‌توان اذعان داشت اگرچه این آیه در شرایط خاص بعد از جنگ احد و فراوانی زنان بی‌شوهر و فرزندان یتیم نازل شده است؛ ولی می‌توان این حکم الهی را در موقعیت‌های مشابه هم به‌عنوان یک حکم تشریحی اجرا کرد.

اسلام بر اساس واقعیات علمی و غیر قابل‌انکار، مدعی است که زن و مرد دو جنس متفاوت بوده، هرچند که در اصول انسانیت و ویژگی‌های مربوط به آن مشترک هستند. ولی در برخی خصوصیات مربوط به جنسیت خود متفاوتند. همین اشتراک و تفاوت، سبب وضع قوانینی مشترک در برخی زمینه‌ها و قوانینی متفاوت در زمینه‌های دیگر برای آنها شده است.



## منابع

قرآن کریم.

- آلوسی، سید محمود (۱۴۰۵ق). *روح المعانی*. قاهره: دار احیاء التراث العربی، چاپ دوم، ج ۴.
- ابن حزم، علی (بی تا). *المحلی*. تحقیق احمد محمد شاکر. بیروت: دارالفکر، ج ۹.
- ابن عاشور، محمدطاهر (۱۴۲۰ق). *التحریر و التنویر*. بیروت: مؤسسه التاریخ العربی، ج ۴.
- ابن فارس، أحمد (۱۳۹۹ق). *معجم مقاییس اللغة*. المحقق عبدالسلام محمد هارون. بیروت: دارالفکر.
- اردبیلی، احمد بن محمد (۱۴۰۳ق). *مجمع الفائدة و البرهان*. قم: انتشارات جامعه مدرسین.
- امامی، مسعود (۱۳۹۲). *فلسفه حکم تعدد زوجات*. پژوهشنامه اسلامی زنان و خانواده، (۱)۱.
- اندلسی، محمد بن یوسف (۱۴۰۳ق). *البحر المحیط*. بیروت: دارالفکر، چاپ دوم، ج ۳.
- بازرگان، مهدی (۱۳۵۶). *سیر تحول قرآن*. تهران: انتشارات قلم.
- بلاغی، محمدجواد (۱۴۲۰ق). *آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن*. بیروت: دارالفکر، چاپ دوم.
- بهجت پور، عبدالکریم (۱۳۹۲). *همگام با وحی؛ تفسیر تنزیلی مبانی، اصول، قواعد و فواید*. قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ج ۱.
- بیهقی، أحمد (۱۴۲۴ق). *السنن الكبرى*. بیروت: دارالکتب العلمیه، چاپ دوم، ج ۷.
- جوادی، عبدالله (۱۳۸۸). *تفسیر تسنیم*. قم: مرکز نشر اسراء، ج ۱۷.
- حجتی، محمدباقر (۱۳۶۶). *تفسیر کاشف*. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ج ۲.
- حرعاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۲ق). *وسائل الشیعه*. قم: مؤسسه آل البيت.
- دمشقی، ابن عادل (۱۴۱۹ق). *اللباب فی علوم الكتاب*. بیروت: دار الکتب العلمیه، ج ۲.
- راغب اصفهانی، ابوالقاسم (۱۳۶۸). *مفردات قرآن*. بیروت: دار الشامیه.
- زمخشری، جارالله (۱۴۰۷ق). *الکشاف*. بیروت: دارالکتب العربی، چاپ سوم، ج ۱-۲.
- سبزواری، عبدالاعلی (۱۴۱۴ق). *مواهب الرحمن فی تفسیر القرآن*. نجف: دفتر آیت الله سبزواری، ج ۱، ۳.
- سیوطی، جلال الدین (۱۴۰۴ق). *الدرالمثور*. قم: کتابخانه آیت الله مرعشی.
- شکرانی، رضا؛ حبیب الهی، مهدی (۱۳۹۴). *آیه تعدد زوجات، حکمی مطلق یا مشروط؟ پژوهشنامه زنان*، ۶(۲)، ص ۹۳-۱۱۷.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۹۳ق). *المیزان فی تفسیر القرآن*. تهران: کتابفروش سلطانی، ج ۴، ۱۵.
- طباطبایی، سید محمدحسین (۱۴۱۷ق). *المیزان فی تفسیر القرآن*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- طبرسی، حسن بن فضل (۱۴۰۸ق). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*. بیروت: دارالمعرفه، چاپ دوم، ج ۴-۱.
- طبری، محمد بن جریر (۱۴۲۰ق). *جامع البیان فی تفسیر القرآن*. بیروت: دارالمعرفه، ج ۴.
- طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن (۱۴۱۳ق). *التبیان الجامع لعلوم القرآن*. قم: دفتر نشر اسلامی، ج ۳.
- علامه حلّی، حسن بن یوسف (۱۴۱۸ق). *مختلف الشیعه*. قم: مؤسسه نشر اسلامی.
- علامه حلّی، حسن بن یوسف (۱۴۱۹ق). *قواعد الاحکام*. قم: مؤسسه نشر اسلامی.
- غزالی، ابی حامد محمد بن محمد (بی تا). *احیاء علوم الدین*. بیروت: مطبعه دارالجیل، ج ۶.

- فخررازی، ابوعبدالله محمد بن حسین (۱۴۰۵ق). *التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)*. قم: دفتر نشر معارف اسلامی، ج ۹. فیومی، احمد بن محمد (۱۳۷۸). *مصباح المنیر*. قم: دارالرضی، ج ۲، ۸.
- قرطبی، محمد بن احمد (۱۴۰۵ق). *الجامع الأحكام القرآن (تفسیر قرطبی)*. بیروت: دارالإحياء التراث العربی، چاپ سوم، ج ۶.
- قطب راوندی، سعید بن عبدالله (۱۴۱۵ق). *کنز العرفان فی فقه القرآن*. قم: نشر مرتضوی، ج ۲. قمی مشهدی، محمدرضا (۱۳۶۸). *کنز الدقائق*. تهران: وزارت ارشاد.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۴). *دوره مقدماتی حقوق مدنی اموال و مالکیت*. تهران: نشر میزان.
- کرکی، علی بن حسین (۱۴۱۱ق). *جامع المقاصد*. قم: مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث.
- کلباسی اشتری، زهرا (۱۳۹۶). *تاریخ گذاری سور قرآن*. رساله دکتری. دانشگاه اصفهان.
- مدرسی، محمدتقی (۱۴۱۹ق). *تفسیر من هدی القرآن*. تهران: دارالهدی، چاپ دوم.
- مدنی، محمد (۱۳۷۸ق). *رأی جدید فی تعدد الزوجات*. رساله الاسلام، ۲۰(۴).
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۶۹). *تفسیر نمونه*. تهران: دارالکتب الاسلامیه، ج ۳.
- نکونام، جعفر (۱۳۸۰). *درآمدی بر تاریخ گذاری قرآن*. تهران: نشر هستی نما.